روزنامه همدلی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

شنبه ۷ آبان ۱۴۰۱_ ۳ ربیع الثانی ۱۴۴۴_ ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲

سال هفتم _ شماره ۲۰۴۸ _ ۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

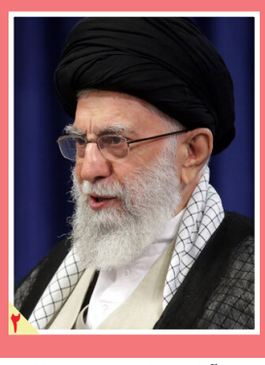

توصیه رهبر انقلاب در پی حادثه تروریستی حرم شاهچراغ:

همه باید ید واحده باشیم

۲

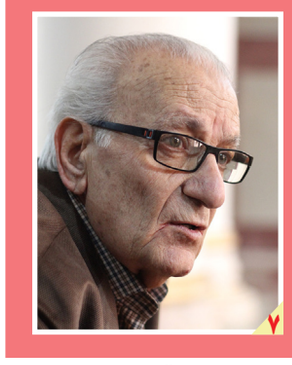

«جلال مقامی» در سن ۸۱ سالگی درگذشت

خاموشی ابدی صدای «دیدنی»

۷

مردم در شهرهای مختلف کشور راهپیمایی کردند

محکومیت ترور زائران شاهچراغ

۲

استقبال مولوی عبدالحمید از گزارش شورای تأمین سیستان و بلوچستان

تصمیم دیرهنگام در ماجرای زاهدان

۲

خبرها از دشواری دسترسی مردم به برخی داروها حکایت دارد

آنتی بیوتیک کمیاب و گران

۴

روایت‌های رسمی از کشته شدگان شهرهای کردنشین

در مهاباد و بانه چه خبر بود؟

۲

واگذاری کتابخانه‌های کانون به نهاد کتابخانه‌های عمومی به کجا رسید؟

یادآوری ماجرای کانون پرورش فکری

۴

جبهه اوکراین، وارد فاز تبلیغاتی تازه‌ای شد

«تسلیحات هسته‌ای» در برابر «بمب کثیف»

۳

در استراتژی امنیت ایالات متحده اعلام شد

چین؛ بزرگ‌ترین تهدید برای آمریکا

۳

مهاجرت نخبگان؛ سیاه‌نمایی یا واقعیت؟

۴

هنوز خبری از سرود تیم ملی ایران در جام جهانی نیست

۷

یادداشت‌ها

نیم‌نگاهی به تغییرات اساسی در راستای حل مساله

محسن صنیعی
استاد دانشگاه

آن چه این روزها در برخی شـــهرها، خیابان‌ها و دانشـــگاه‌ها و مدارس ایران می‌گذرد، به جرات می‌توان گفت که نسبت به همه حوادث ...

۱

برجام میان و دو لبه قیچی آمریکا و روسیه

صلاح‌الدین هرسنی
کارشناس مسائل بین‌الملل

به دنبال صدور ارائه پیش‌نویس قطعنامه سنای آمریکا علیه جمهوری اسلامی در به گفته خودشان «محکومیت سرکوب اعتراضات ناشی از...

۱

چگونگی مواجهه با اتفاقات تاریخی

مسعود نادری
فعال فرهنگی

طرح مسئله: چگونه با حوادث ناگوار تاریخی مواجه شویم که به بازتولید اتفاقات گذشته در زمان حال منجر نشود؟

۱

کابوس «متروپل» کی تمام می‌شود؟

معصومه عساکره
روزنامه‌نگار

بخشـــی از برج دوقلوی متروپل آبادان در دوم خـــرداد فرو ریخت و ۴۳ کشـــته و ۳۷ مصدوم به جای گذاشت.

۱

یادداشت

نیم‌نگاهی به تغییرات اساسی در راستای حل مساله

محســـن صنیعی– آن چه این روزها در برخی شهرها، خیابان‌ها و دانشگاه‌ها و مدارس ایـــران می‌گذرد، به جـــرات می‌توان گفت که نســـبت به همه حوادث ۱۸ تیر ۷۸، انتخابات ۸۸، دی‌مـــاه ۹۶، آبان ۹۸ و اعتراضات ۱۴۰۰، هم از نظر گستره مکانی و هم گستره طبقاتی و نیز از نظر میزان خواست‌ها، بسیار گسترده‌تر است. به جای فرافکنی به این و آن و دشمنان و خارجی‌ها، باید به تحلیل دقیق پدیده و همه ریشـــه‌های سیاســـی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی آن پرداخت. باید این مساله به ارزیابی دقیق همه صاحب‌نظران و کارشناسان، گذاشته شود. نمی‌توان هر اعتراضی را به خارج وصل کرد و تصور نمود که ما در حال تعالی هستیم. مردم بهترین کسانی هســـتند که می‌توانند نسبت به کارآمدی ساختار حکومتی، قضاوت کنند. آن‌چه که این روزها دیده می‌شـــود، ضرورت بازاندیشـــی جدی در سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و ضرورت تغییرات بزرگ و ســـاختاری در جامعه ایران را نشان می‌دهد. تغییراتی خیلی فراتر از همه اصلاحاتی که در دهه‌های گذشـــته، مطرح شد اما البته شنیده نشد. اگر آرمان جمهوریت و آزادی در انقلاب اسلامی، به بهترین شکل خود اجرا می‌شد و اگر مردم، نمایندگان خود را در مجلس، خبرگان و دولت، احزاب یا رسانه‌ها می‌داشتند که دردهای آنان را فریاد می‌کردند، به این‌جا نمی‌رسیدیم که مردم معترض، برای رساندن فریاد اعتراض خود، راهی جز خیابان نداشته باشند. متاسفانه، شرایط بسیار خشن و همراه با خشم از طرفین ماجرا شده است. باید واسطه‌هایی وارد شوند و اجازه ندهند که وارد نقطه بی‌بازگشت شویم. اگرچه سخن از گفت‌وگو، در این شرایط، بسیار سخت است، ولی تنها راه گریز از بحران موجود، یک مصالحه و آشتی ملی میان همه ایرانیان و گفت‌وگوی ملی برای آینده ایران است. قبل از آن، لازم اســـت همه ایرانیان و حقوق آنان خصوصا حق تعیین سرنوشـــت به رســـمیت شناخته شود. این گفت‌وگو می‌تواند در قالب مجلس بازنگری قانون اساســـی چندصدنفره متشـــکل از نماینـــدگان منتخـــب ملت در انتخاباتی با استانداردهای قانونی دنبال شود تا با ارزیابی همه بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه ایران، راه‌کارها را در صورت‌بندی قانون اساسی، وارد نمایند. به قول دکتر علی‌رضا بهشـــتی، اگر قانون اساسی در سال ۵۸، متناسب با شرایط برخاسته از انقلاب اسلامی، تنظیم شد لازم است بازنگری قانون اساسی بر اساس شهروندمحوری، تنظیم گردد.

یادداشت

برجام میان و دو لبه قیچی آمریکا و روسیه

صلاح‌الدین هرسنی – به دنبال صدور ارائه پیش‌نویس قطعنامه‌سنای آمریکا علیه جمهوری اســـلامی در به گفته خودشـــان «محکومیت سرکوب اعتراضات ناشی از مرگ مهسا امینی» حالا برخی از اعضای پرنفوذ مجلس نمایندگان از حزب جمهوری‌خواه، طرحی را به‌نام (مهسا امینـــی) ارائه کرده کـــه در صورت تصویب آن رهبر انقلاب و افراد نزدیک به ایشـــان تحریم می‌شـــوند. آن‌گونه که گفته شده است، تلاش برای تصویب این قانون، بخشی از تلاش بزرگ‌تر رهبران جمهوری‌خـــواه در کنگره برای تدوین طیفی از تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران در جهت تامین امنیت ملی آمریکا و ســـپس تامین امنیت ملی مردم ایران(!) اســـت. آنگونه که حامیان ایـــن طرح مدعی‌اند، نقض فاحش حقوق بشر از سوی حاکمیت در ایران و حمایت ایران از گروه‌های تروریستی و همچنین کمک مستقیم ایران به روسیه در تهاجم به اوکراین و مشخصا در قالب کمک‌های پهپادی، علت دنبال کردن و در نتیجه تصویب چنین طرحی است. اما در شـــرایط حاضر، تصویب چنین طرحی و تبدیلش به یک قانون آهنین و غیرقابل‌تغییر، به مثابه تیر واحدی است که دو هدف را نشانه رفته اســـت. اول آنکـــه تصویب چنین طرحی بتواند دولت بایدن را از دست‌یابی به یک توافق هسته‌ای اصلاح شده با ایران منصرف کند. دوم آنکه این طرح همچون عنصری شتاب‌زا بتواند دست‌مایه پشـــت‌گرمی معترضان در شعله‌ور کردن آتش ناآرامی‌های جاری در ایران شود. از منظر علت‌شناسی، به نظر می‌رسد که دلایلی را که حامیان تصویب طرح مهسا اقامه کرده‌اند، همه اسباب و دلایل تصویب این طرح نیست. با اســـتناد به برخی شواهد و نشانگان پیداست کـــه تصویب این طـــرح از دلایل مهم‌تری آب می‌خورد. در واقع می‌توان گفت که تلاش برای تصویب طرح مهسا و تبدیل آن به قانون، اگر چه در تداوم سیاست خصمانه غرب و متحدان و در نتیجه مولود سیاست آزار و ایذای واشنگتن در قبال برجام است و در آمریکای عصر بایدن نیز رفتارهایی نظیر رفتارهای آمریکای عصر ترامپ دیده می‌شـــود، اما مهم‌تر از همه تلاش برای تصویب این طرح از آبشـــخوری چون سیاست تعلل برجامی دولت ســـیزدهم و کاستی‌های تیم مذاکره کننده و همچنین پیوند زدن احیای برجام به منافع روســـیه آب می‌خورد. در واقع فقط در یک شـــرایط م توانست چنین اقدامی در دستور کار گنگره قرار گیرد و آن این بود که ما نخواسته باشیم برجام را به مثابه یک واقعیت و ضرورت بپذیریم و آنکه نخواســـته باشیم به مدت ۳ ماه مستمر و بدون وقفه در وین جهت احیای برجام به میز مذاکره نرفته باشیم.!! با این همه، نمی‌توان از نقش برجام‌ســـتیزان وطنی مانند مانع‌تراشی‌های اعضای جبهه پایداری و مخالفت تزایدی برخی از جریان‌های رادیکال دست راســـتی برای تصویب چنین طرحی از ســـوی کنگره آمریکا غافل ماند. به ویژه آنکه در شرایط حاضر شایعه ورود غیرمستقیم ایران به جنگ اوکراین در قالب کمک‌های پهپادی، موجب شـــده اســـت که عزم کنگره آمریکا در برجام‌ستیزی و امحای کامل برجام جزم شود. اگر چه مســـئله کمک‌های پهپـــادی ایران به روسیه از سوی وزیر امور خارجه و همچنین از سوی سخنگوی آن تکذیب شده است، اما شائبه چنین کمکی عزم واشنگتن را در تصویب لایحه مهســـا در برجام‌آزاری بیشتر جزم کرده‌است. حال و اگر چه معلوم و مشـــخص نیســـت که تصویب این طرح تا چه میزان جدی است، اما اگر چنین طرحی تصویب شود، به مثابه میخی بر تابوت برجام خواهد بود و ما باید شاهد مرگ و امحای برجام باشیم. تحت این شرایط شاید تصویب چنین طرحی بر وفق مراد و ذوق‌زدگی برجام‌ستیزان وطنی از جمله جبهه پایداری و جریان‌های اصول‌گرا و دســـت راستی در ایران شـــود، اما عمق تراژیک ماجرا آنجاست که چرا برجامی که تنها روزنه و تنفس‌گاه اقتصادی ایران اســـت، باید به منافع روسیه گره زده شود؟ آیا پیوند زدن برجام به منافع روسیه، نشان دهنده و بیان‌گر روابط استراتژیک تهران- مسکو است که ما باید بدون دلیل تاوان‌دهنده سیاست‌های ابزارگرایانه و فرصت‌طلبانه و جاه‌طلبانه مقامات کرملین باشـــیم؟ باید از مقامات تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر دستگاه دیپلماسی پرسید که مسکو تا چه میزان خود را برای ما هزینه کرده اســـت که مـــا باید اینگونه خراج‌پرداز سیاســـت‌های جاه‌طلبانه روسیه باشیم؟ مگر مسکو رابطه خود را با تل‌آویو به جهت روابط با ما تغییر داده که ما باید این‌گونه به دنبال منافع مسکو باشیم؟ و از همه مهم‌تر آنکه باید پرسید که روسیه تا چه میزان از تا جنگ‌افروزی‌های تل‌آویو و حمله به مواضع ایران در جنوب سوریه جلوگیری کرده که حـــالا ما باید این‌گونه و البته ســـینه‌چاک مدافع سیاســـت‌های مقامات کرملین باشیم؟ محققا در شـــرایط جدید و در عصر اعتراضات و همچنین عصر ورود غیرمســـتقیم ایران به جنگ اوکراین، موجب تغییر راهبردی اعلامی و اعمالی تروئیکای اروپایی برجام در قبال ایران و برجام خواهد شد. برگزاری راهپیمایی برخی ایرانیان در برلین آلمان و محتملا برگزاری همان راهپیمایی‌ها در فرانسه و انگلستان مهم‌ترین نمود چنین تغییری است.

یادداشت

چگونگی مواجهه با اتفاقات تاریخی

مسعود نادری– طرح مسئله: چگونه با حوادث ناگوار تاریخی مواجه شویم که به بازتولید اتفاقات گذشته در زمان حال منجر نشود؟ متاسفانه گاهی باحوادث گذشته به‌گونه‌ای مواجه می‌شـــویم که نشان می‌دهد نه تنها از آن عبرتی نمی‌گیریم که عملا به باز تولید همان اتفاقات منجر می‌شـــود و در نتیجه بجای عبـــور از آن حوادث، همچنان در درون اختلافات گذشته دست و پا می‌زنیم و این در حالی است که قصدمان جلوگیری از تکرار مجدد آن شکست‌ها اســـت .ابتدا پنج نکته را که در روشن تر کردن موضوع می توانند کمک کنند یادآوری می کنم.

نکته اول: بحـــث نگارنده از نوع درجـــه دوم و ناظر بر دیدگاه‌ها و رفتارهای تاریخی است.

نکته دوم: هر چند کل تاریخ فقط یک‌بار اتفاق می‌افتد و هنوز آن یک‌بار تمام نشـــده و معلوم نیســـت در چه مقطعی از آن هستیم، ولی وقایع جزیی با توجه به سنن تحول و تبدل‌ناپذیر که حاکم بر تاریخ هستند، مکرر به وقوع می‌پیوندد.

نکته سوم: علی‌رغم اینکه به لحاظ فلسفی هر حادثه‌ای منحصر به‌فرد اســـت و از این جهت تکـــراری در عالم نیســـت، اما می‌توان گفت نه عین خود آن حادثه، بلکه شبیه آن تکرارپذیر است و اگر اتفاقات تاریخی تکرارپذیر نبودند ، عبرت‌آموز هم به حســـاب نمی‌آمدند و دیگر نمی‌توانستیم از شان معلمی آنان سخن بگوئیم.

نکته چهارم: مثال برای تقریب ذهن است، اما حقیقتا مثال آوردن در این نوشتار همراه با نوعی هراس است. هراس از آن‌که بجای نگاه به ماه به انگشـــت اشاره نگاه شـــود و درنگاه مخاطب حواشی به جای متن بنشیند. امید آنکه این‌گونه نشود.

نکته پنجم: اگر از عدم بازتولید اختلافات یاد می‌کنم منظور این نیست که اختلافات نظری تاریخی را قبول نـــدارم و یا اینکه بخواهم بـــه زور، یک نظر را تحمیل کنـــم. این امر نه ممکن اســـت و نه مطلـــوب. زیرا که خلاف طبیعت آفرینش انســـان است. منظور اما در این نوشته درجا نزدن دراختلافات گذشته است. بالاخره باید از سیاه‌چاله‌ها بیرون آمد و به جلو حرکت کرد.باری برای توضیح بیشتر به سه نمونه اشاره می‌کنم:

۱- تشـــیع و تسنن ۲- ایرانیت و اسلامیت ۳- مصدق و کاشانی

نمونه اول: گاهی اختلافات تاریخی شیعه و سنی طوری بیان می‌شود که محصول آن جدایی و دشمنی است. مثلا در برخی مواقع به‌گونه‌ای تاریخ اسلام را بیان می‌کنیم که شـــعار تفرقه‌افکن و دشمن‌ساز «ما منتظر منتقم فاطمه هستیم» ، از آن سر در می‌آورد .حتما به تبعات منفی این شعار توجه داریم. و این در حالی است که اتفاقا می‌توان به شـــعار یکی از راهپیمایی‌های اربعین در سال‌های گذشته یعنی شـــعار زیبا و حکیمانه «حُب الحُسین یّجمّعُنا» هم رسید .بر اساس سخن امام صادق(ع) مصداق «حبل‌الله» در آیه «واعتصموا بحبل‌الله جمیعا و لاتفرقوا» که خطاب به همگی مومنان است، ائمه علیهم‌السلام هستند و متاسفانه به‌جای این‌که برای وحدت که نوش‌داروی حیات مسلمین اســـت، بهره ببریم، به‌شـــکلی حوادث گذشته را باز تولید می‌کنیم که گویا بنزین بر روی آتش دشمنی می‌ریزیم .

نمونه دوم: بدون شک اشـــخاصی مانند مرحوم آیه‌الله کاشانی و مرحوم دکتر مصدق کارهای بزرگی کرده‌اند اما به دلایل و عللی که یکی از علل آن محدویت‌های شناختی آدمی است، طبیعتا خطاهایی هم داشته‌اند. اما اختلافات آنان را جوری بیان می‌کنیم که به‌جای آنکه از آن عبرت بگیریم، یعنی با درس گرفتن از آن عبور کنیم، دوباره خود و دیگران را درگیر آن می‌کنیم. یعنی دوباره کاشـــانی‌ها و مصدق‌هایی را تولیـــد می‌کنیم و پرورش می‌دهیم که اما این بار عصبانی‌تر و مغرورتر هســـتند، آن‌هم نه برای مشکلات حاضر کشور که برای اختلافات گذشته! و از این رهگذر چه تهمت‌ها و نفرت‌ها که نصیب هم نمی‌کنیم.

نمونه سوم: تاریخ اسلام و ایران را به‌گونه‌ای نقل می‌کنیم که محصولی به‌جز بدبینی و ایجاد دو دستگی و دشمنی ندارد. شـــما ببینید به چه اندازه کتاب«دو قرن سکوت» مرحوم دکتر عبدالحسین زرین‌کوب نشر می‌یابد و به چه اندازه دو کتاب دیگر ایشان بنام «کارنامه اسلام» و «بامداد اسلام.» این در حالی است که دو کتاب آخر بعد از کتاب اول نگارش و منتشر شـــده و بهتر نظر نویسنده را بازگو می‌کند. حداقل آن که شایسته است آن سه کتاب را با هم تبلیغ و چاپ کنیم، با هم بفروشیم و با هم بخوانیم.اگر بیان حقایق تاریخ مطابق آنچه که اتفاق افتاده یک حق است اما ماندن و دست وپا زدن در گذشته و آوردن دعواهای دیروز به امروز و ایجاد تفرقه و دشمنی و درگیرهای بی‌سرانجام و بلکه بدســـرانجام با توجه به آثـــار نامطلوب آنها ،قطعا ناحق اســـت. عبور از آن حوادث ناگوار و کمرشکن، خود یک حقیقت برتـــر و البته یک ضرورت حیاتی مخصوصا در شـــرایط فعلی اســـت. بازتولید شخصیت‌های گذشته مانند مصدق و کاشانی آن‌گونه که بوده‌اند، یعنی باز تولید اختلافات آنها و این یک خطای بزرگ اســـت.ادامه دادن راه گذشـــتگان به معنی ادامه اختلافات و خطاهای آنان نیست.و اضافه آنکه شخصیت‌های تاریخی نه تماما سفیدند و نه ســـیاه. نمره آنان نه یا صفر است و نه یا صد. و اما بنا به ســـخن امیرالمومنین علی(ع) که فرمودند:« لا تقسِروا اولادکم عَلی آدابکم، فانَّهم مَخْلوقونَ لِزَمانٍ غیر زمانکم» (فرزندان خویش را بر آداب خود مجبور مســـازید که آنها برای زمانی غیر عصر شـــما آفریده شده‌اند.) قرار است ما فرزندان‌مان را برای آینـــده تربیت کنیم و نه حتی برای حال! در صورتی که ما آنان را مانند گذشتگان‌مان بازپروری می‌کنیم. یکی را مُصدق بلکه مُصدق‌تر می‌کنیم، ودیگری را کاشانی بلکه کاشانی‌تر!این نوشتار فقط در صدد طرح مسئله است و هرگز ادعا ندارد که راه برون رفتی را یافته است .اما مدعی است معضلی را مطرح کرده است. همین که تلنگری زده باشـــد و موضوعی را مسئله‌ای قابل تامل کرده باشد به مرتبه ای از مراتب اهدافش رسیده است. لذا پرسش صدر این نوشتار بجای خود باقی است. و به جهت تاکیـــد و تامل افزون‌تر در پایایان نیز تکرار می شـــود که چگونه با حوادث ناگوار تاریخی مواجه شویم که به بازتولید اتفاقات تلخ گذشته در زمان حال، منجر نشود؟

یادداشت

کابوس «متروپل» کی تمام می‌شود؟

معصومه عســـاکره– بخشـــی از برج دوقلوی متروپل آبادان در دوم خرداد فرو ریخت و ۴۳ کشته و ۳۷ مصدوم به جای گذاشـــت. بعـــد از آواربرداری اولیه، عملیات تخریب این سازه‌ی ناپایدار به قرارگاه خاتم‌الانبیا واگذار شد. در تاریخ ۲۳ شهریور در حین انجام عملیات تخریب بخش دیگری از این ساختمان باز فرو می‌ریزد و جان یک کارگر ۱۸ ساله‌ی افغانی را می‌گیرد. اما روز ۴ آبان حوالی ساعت ۴ بعد از ظهر بخش اعظم متروپل در محدوده خیابان سعدی به طور ناگهانی فرو ریخت و جان یک بانوی ۳۵ ساله را گرفت و دو مصدوم به جا گذاشت.

این اتفاق در حالی می افتدکه دو روز قبل از حادثه قرارگاه خاتم دستور تخلیه‌ی ساختمان‌های اطراف محدوده‌ی کارگاهی را صادر کرده بود، ولی روز حادثه هشداری مبنی بر تخلیه و ایمنی صادر نشده و تردد به صورت عادی بوده است.

بنا بر گفته‌ی ساکنین خیابان سعدی آبادان که در این اتفاق آسیب دیده‌اند کسی به آنها هشدار نداده بود که ممکن اســـت سازه به این سمت فرو بریزد و ریزش به ســـمت خارج از محدوده‌ی حفاظت شده اتفاق بیفتد. تمام ساکنین از دیر رسیدن آمبولانس و مسؤلین مربوطه به محل حادثه شاکی بودند و از اینکه هیچ کدام از مسؤلین شهری آبادان در محل حاضر نشدند، ناراضی بودند.

اقبال جاودان‌پور مدیر عامل شـــرکت اروندان که مجری عملیات تخریب متروپل است در گفت‌وگوی خود با خبرگزاری صدا و سیمای مرکز آبادان اعلام می‌کند: در این عملیات ترکشی از ساختمان به سمت بیرون از محدوده محصور شده پرتاب می‌شود و در این حادثه متاسفانه یک نفر جانش را از دست داد.

با توجه به شـــرایط محدوده بقایای ســـازه همه تمهیدات ایمنـــی لازم در محدوده کارگاهی تدارک دیده شده و جز گروه تخریب، فردی اجازه تردد در محدوده را ندارد. و علت درگذشت جان‌باخته‌ی این حادثه را ترس می‌داند. این در حالی است که خون جان‌باخته درون خودرو هنوز قابل مشـــاهده است و بقایای دو خودروی آســـیب دیده در محل نشان دهنده‌ی این اســـت که آوار بر روی خودروها فرود آمده و افراد داخل خودرو براثر آوار آسیب دیده‌اند .

خیابان سعدی یکی از پرترددترین خیابان‌های شهر آبادان است و اگر این حادثه در ساعت دیگری اتفاق می‌افتاد جان‌های بسیار دیگری گرفته می‌شد و عزای بزرگ‌تری بر این شهر نازل می‌شد. سوال این است چرا برآورد دقیـــق و کافی برای احتمال ریزش این حجم از سازه بر روی این خیابان انجام نشده است؟ تا کی این شهر و ساکنین‌اش باید تاوان عدم تخصص مســـؤلین مربوطه را بدهند؟ چنـــد جان دیگر باید بخاطر این سازه به خطر بیفتد تا تمام شود؟!این چه تمهیداتی است که این‌گونه جان می‌گیرد وخطرساز می‌شود؟ کابوس متروپل کی تمام می‌شود؟